

مشروعیت گریه و عزاداری برای اولیاء الهی



مشروعیت گریه و عزاداری برای اولیاء الهی

آیا گریه و عزاداری در فراق اولیای الهی مورد تأیید قرآن و سنت نبوی است و اصولاً چنین عملی مشروع است یا خیر؟ برای پاسخ به این سوال به شواهدی از قرآن و سیره نبی اکرم صلی الله علیه و آله و روایات اهل بیت علیهم السلام اشاره می شود.

نخست باید دانست؛ گریه در فراق یا سوگ اولیای الهی مورد تأیید قرآن مجید است. چنان که درباره حضرت یعقوب (علیه السلام) در فراق حضرت یوسف (علیه السلام) می خوانیم: ((وَقَالَ يَا أَسْفَىٰ عَلَىٰ يَٰ يُوسُفَ ۚ وَابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَاطِمٌ سِرًّا)) [یوسف، آیه 84]:

«گفت: ای دریغ بر یوسف!» و در حالی که اندوه خود را فرومی خورد، چشمانش از اندوه سپید شد»

از سوی دیگر بررسی تاریخی و روایی در سنت نبوی نشان می دهد که عزاداری و گریه، سیره و روش پیامبر

اکرم(صلی اﷺ علیه و آله و سلم) و یاران گرامی ایشان بوده است؛ در روایت است هنگامی که ابراهیم فرزند عزیز پیامبر(صلی اﷺ علیه و آله و سلم) از دنیا رفت پیامبر گریه می کردند و می فرمودند: «العينُ تَدْمَعُ، والقلبُ يَحْزَنُ، ولانقول، الاّ ما يُرضى ربّنا، و انّا بکَ یا ابراهیم لمَحزونون»[سنن ابی داود، ج 3، ص 193، ح 3126، باب فی البکاء علی المیت؛ سنن ابن ماجه، ج 1، ص 506، ح 1589، کتاب الجنائز.]: «چشم می گرید و دل اندوهناک می شود و ما چیزی نمی گوئیم جز آنچه پروردگار ما را خشنود کند و ای ابراهیم ما در ماتم تو هر آینه اندوهناک و محزونیم».

عزاداری و گریه پیامبر(صلی اﷺ علیه و آله و سلم) بر فرزند عزیزشان ابراهیم، خود بهترین گواه بر جواز گریه و سوگواری است؛ اگر پیامبر(صلی اﷺ علیه و آله و سلم) در فراق ابراهیم سوگواری بودند و اشک ماتم می ریختند به طریق اولی در سوگ فرزند دلبنده خود امام حسین(علیه السلام) ناراحت و محزون می شدند.

در جریان شهادت حضرت حمزه سیدالشهداء هنگامی که پیامبر(صلی اﷺ علیه و آله و سلم) از جنگ احد برگشتند، شنیدند که زنان انصار بر شهدای خود می گریند و سوگواری می کنند؛ پیامبر(صلی اﷺ علیه و آله و سلم) فرمودند: «لکنّ حمزّة لا بَواکیَ له»؛ «عموم حمزه گریه کن ندارد»، انصار با شنیدن این سخن به زنان خود گفتند: بیش از آن که بر حمزه سیدالشهداء گریه نکردید، بر هیچ کس دیگر گریه نکنید». [سنن ابن ماجه، ج 1، ص 507، کتاب الجنائز.]

همچنین در صحیح بخاری آمده است که حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا(سلام اﷺ علیها) در از دست دادن رسول خدا(صلی اﷺ علیه و آله و سلم) گریه و سوگواری کردند. [صحیح بخاری، ج 4، ص 1619، ح 4193، باب مرضی النبی و وفاته.]

این روایت را شیعه و سنی نقل کرده اند که امام علی(علیه السلام) فرمودند: یک روز بر پیامبر(صلی اﷺ علیه و آله و سلم) وارد شدم دیدم که اشک از چشمان مبارک ایشان سرازیر است. گفتم: ای رسول خدا آیا کسی شما را به خشم آورده؟ چرا این گونه گریه می کنید؟! پیامبر(صلی اﷺ علیه و آله و سلم) فرمودند: جبرئیل نزد من بود و به من خبر داد که حسین(علیه السلام) در شط فرات کشته می شود. جبرئیل گفت: آیا می خواهی تربت او را استشمام کنی؟ گفتم آری. پس دست خود را دراز کرد مشتی از تربت او را به من داد. از این رو اشک از چشمانم جاری شد. [مجمع الزوائد، هیثمی، ج 9، ص 301.]

براساس این روایت، پیامبر اکرم(صلی اﷺ علیه و آله و سلم) خود جزو گریه کنندگان و سوگواران بر

اباعبدالله الحسین(علیه السلام) بوده اند.

نکته شایان ذکر آن که اهل بیت عصمت و طهارت(علیهم السلام) دوست داران و شیعیان خود را بر گریه بر مظلومیت و مصائب امام حسین(علیه السلام) ترغیب و تشویق می کردند.

امام رضا(علیه السلام) به پسر شیب فرمودند: «یا بن شیب ان كنت باکيا لشیءٍ فابکر للحسین بن علی بن ابی طالب(علیه السلام)» [سفینه البحار، ج 1، ص 362].؛ «ای پسر شیب اگر می خواهی بر چیزی گریه کنی، بر حسین بن علی بن ابیطالب(علیه السلام) گریه کن». بنابراین گریه بر مصیبت ها و مظلومیت های اهل بیت(علیهم السلام) علاوه بر این که بیان گر پیوند روحی و عاطفی با آنهاست، نوعی ابراز محبت و هم دردی با ایشان است که آثار تربیتی و اخلاقی بسیاری دارد و نیز مورد سفارش اکید امامان معصوم(علیهم السلام) می باشد.

بنابراین گریه بر اولیای الهی خصوصاً بر سالار شهیدان اباعبدالله الحسین(علیه السلام) موافق با عقل سلیم بوده و دارای آثار و فواید بسیاری است که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

1. گریه بر اهل بیت(علیهم السلام) خصوصاً امام حسین(علیه السلام) از مظاهر محبت به آنان است که خداوند متعال به آن امر نموده و نیز عقل آن را تأیید می کند.

همچنین یکی از مهم ترین لوازم دوستی؛ هم دردی و هم دلی با دوستان در مواقع سوگ یا شادی آنان است.

حضرت علی(علیه السلام) می فرمایند:

«یفرحون لفرحنا و یحزنون لحزننا» [بحار الانوار، ج 44، ص 287].؛ «شیعه و پیرو ما در شادی و حزن ما شریکند».

2. اشک بر اهل بیت(علیهم السلام) خصوصاً امام حسین(علیه السلام) از مصادق تعظیم شعائر الهی است، زیرا با این عمل در حقیقت شعارهای آن حضرت را به پا می داریم.

3. از آنجا که در فرهنگ شیعی، عزاداری باید از سر معرفت و شناخت باشد؛ هم دردی با آن عزیزان، در واقع یادآوری فضایل، مناقب و آرمان های آنان بوده و بدین شکل، آدمی را به سمت الگوگیری و الگوپذیری از آنان سوق می دهد. فردی که با معرفت در مجالس عزاداری شرکت می کند و شناخت و عاطفه را در هم می آمیزد، انگیزه قوی در او پدیدار گشته و به دنبال پیاده کردن اوصاف و ویژگی های محبوب در وجود خویشتن است. همچنین یکی از حکمت های عزاداری، ساختن جامعه براساس الگوی ارائه شده از سوی اسلام و حفظ آرمان های امام حسین(علیه السلام) است.

4. گریه بر امام حسین(علیه السلام) در حقیقت توبه و انابه به سوی خداوند و تمام خوبی هاست، زیرا گریه بر امام حسین(علیه السلام) جهت شخصی ندارد، بلکه به این دلیل است که او فرزند رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) و دارای تمام خوبی هاست که در راه احیای دین الهی مظلومان به شهادت رسیده است. پس گریه برای چنین افرادی انابه و بازگشت و ارتباط با خوبی هاست. در روایات اسلامی آمده است: هر کس بر امام حسین(علیه السلام) گریه کند یا بگریاند یا خود را گریان نشان دهد (تباکی کند) بهشت بر او واجب می گردد، زیرا این گونه گریه با این گرایش در حقیقت توبه و انابه و رجوع به خداوند متعال است.

5. به راستی عزاداری و تعزیه یکی از عناصر و عوامل برجسته ای است تا آموزه های نظری و عملی امامان راستین، به نسل های آینده منتقل شود.

6. انسان تا به باطن خود رجوع نکرده و از آن طریق با ولیّ خدا خصوصاً امام حسین(علیه السلام) ارتباط پیدا نکند، دلش نمی شکند و اشکش جاری نمی گردد، پس گریه بر امام حسین(علیه السلام) در حقیقت ارتباط از راه باطن بین وجودی محدود با وجودی بی کران و نامحدود است.

7. گریه بر مظلوم، انسان را مدافع مظلوم خواهد کرد، خصوصاً کسی که معصوم بوده و امام و وصیّ و جانشین صاحب شریعت باشد، که در این هنگام انسان مدافع شریعت خواهد شد. همچنین با دیدن مظلومی به فکر دفاع از او بر خواهد آمد، از همین رو می بینیم که شیعیان برای بهره برداری از این اکسیر عظیم همواره در طول تاریخ حمایتگر مظلومان بوده اند.

8. گریه بر ولیّ خدا خصوصاً امام حسین(علیه السلام) آرام بخش قلب های سوخته ای است که به جهت مصائبی که بر آن حضرت(علیه السلام) وارد شده آتش از آن شعله ور شده و با این قطره های اشک مرهمی بر دل سوخته عاشقان آن حضرت خواهد بود.

9. اشک، خصوصاً برای اولیای الهی سبب رقت قلب شده و قساوت را از انسان دور می کند و زمینه را برای ورود انوار خداوند در دل انسان فراهم می سازد، زیرا اشک توجیه شده صیقل دهنده زنگار دل است.

دکتر تیجانی تونسسی که از جمله علمای اهل سنت بوده و مدت مدیدی است که به مکتب اهل بیت علیهم السلام گرویده درباره گریه بر اولیای الهی خصوصاً امام حسین(علیه السلام) می گوید: «... با دوستم به کربلا مسافرت کردیم و در آن جا به مصیبت سرورمان حسین - مانند شیعیان - پی بردم و تازه فهمیدم که حضرت حسین(علیه السلام) نمرده است و این مردم بودند که ازدحام می کردند و گرداگرد آرامگاهش پروانه وار می چرخیدند و با سوز و گدازی که نظیرش را هرگز ندیده بودم گریه می کردند و بیتابی می نمودند که گویی هم اکنون حسین(علیه السلام) به شهادت رسیده است. و سخنرانان را می شنیدم که با بازگو کردن فاجعه کربلا، احساسات مردم را برمی انگیزتند و آنان را به ناله و شیون و سوگ وامی دارند و هیچ شنونده ای نمی تواند این داستان را بشنود و تحمل کند، بلکه بی اختیار از حال می رود. من هم گریستم و گریستم و آن قدر گریستم که گویی سال ها غصه در گلویم مانده بود، و اکنون منفجر می شود.

پس از آن شیون، احساس آرامشی کردم که پیش از آن روز چنان چیزی ندیده بودم. تو گویی در صف دشمنان حسین(علیه السلام) بوده ام و اکنون در یک چشم بر هم زدن منقلب شده بودم و در گروه یاران و پیروان آن حضرت که جان خود را نثارش کردند، قرار می گرفتم. و چه جالب که در همان لحظات، سخنران، داستان حرّ را بررسی می کرد.

حرّ یکی از سران سپاه مخالف بود که به جنگ با حسین(علیه السلام) آمده بود، ولی یک باره در میدان نبرد بر خود لرزید و وقتی اصحابش از او سؤال کردند که تو را چه شده است؟ نکند که از مرگ می هراسی؟ او در پاسخ گفت: به خدا سوگند! هرگز از مرگ هراسی ندارم ولی خود را مخیر می بینم که بهشت را برگزینم یا دوزخ را. او ناگهان اسب خود را به سوی حسین(علیه السلام) حرکت داد و به دیدار او شتافت و گریه کنان عرض کرد: «ای فرزند رسول خدا! آیا توبه برایم هست؟».

درست در همین لحظه بود که دیگر نتوانستم طاقت بیاورم و شیون کنان خود را بر زمین افکندم، و گویا نقش حر را پیاده می کردم و از حسین(علیه السلام) می خواستم که «ای فرزند رسول خدا! آیا توبه ای برایم هست؟ یا بن رسول الله! از من درگذر و مرا ببخش».

صدای واعظ چنان تأثیری در شنوندگان گذاشته بود که گریه و شیون مردم بلند شد. دوستم که صدای فریادم را شنید، با گریه مرا در بغل گرفت و معانقه کرد. همان گونه که مادری فرزندش را در بر می

گیرد و تکرار می‌کرد: «یا حسین! یا حسین!». لحظاتی بود که در آن گریه واقعی را درک کرده بودم، و احساس می‌کردم اشک‌هایم قلبم را شست و شو می‌دهند و تمام بدنم را از درون تطهیر می‌کنند». [آنگاه هدایت شدم، ص 96-98.]

نکته پایانی برای مشروعیت گریه و عزاداری برای اولیای الهی روایتی است که ابوهریره در صحیح مسلم نقل کرده است که پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) قبر مادرشان را زیارت کردند و در سوگ ایشان گریستند و صحابه را نیز به گریه درآوردند: «عن أبي هريرة قال: زار النبي(صلی الله علیه و آله و سلم) قبر أمّه فبکی و أبکی مَن حوله». [صحیح مسلم، باب إستأذان النبي(صلی الله علیه و آله و سلم)، ج 2، 671، حدیث 976.] این روایت و روایات مشابه به روشنی مشروعیت گریه و عزاداری برای اولیای الهی را اثبات می‌کند.

برگرفته از پایگاه اطلاع رسانی پرسمان با اندکی تصرف: <https://com.porseman.www/article/989/>